

## ملاحظات در باب نظریه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

عبدالرحیم گواهی<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله سعی شده است تا درباره «امکان» و «ضرورت» وجودی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بحث و بررسی شود. همچنین مقاله پاسخی است به اظهارنظر بعضاً افراطی کسانی که می‌گویند پیشرفت، پیشرفت است و اسلامی و ایرانی و نظایر اینها ندارد. همچنین مقاله سعی می‌کند تا رابطه این الگو را با تجدّد، علم و فناوری، سکولاریسم، دین و فرهنگ و سایر مفاهیم و مقولات انسانی تبیین کند. سپس، در بحث دوم، امکان و ضرورت طراحی الگوی بومی (اسلامی ایرانی برای ایران، شینتویی ژاپنی برای ژاپن، مسیحی غربی برای اروپا و امریکا، و غیره) پیشرفت برای هر یک از مناطق و کشورهای جهان بحث می‌شود و این که باید برای هر منطقه، کشور، و یا سرزمینی، از میان همه مکاتب و الگوهای رایج پیشرفت، مناسب‌ترین آنها را از نظر ویژگی‌های اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، انسانی، اقتصادی و غیره بومی برگزید. نکته دیگری هم که در ادامه این بخش از مقاله مطرح می‌شود تبعات منفی رشد و توسعه بی‌قید و بند در غرب در حوزه‌های زیست محیطی، منابع، مصرف‌گرایی افراطی و غیره بوده است که نهایتاً منجر به تغییر الگوی توسعه نامحدود به «توسعه پایدار» شده است. در بخش سوم مقاله طرح اولیه‌ای از اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه از بُعد دینی و اسلامی و چه از بُعد غیردینی و دنیوی به‌دست داده شده است، اصول و قواعد و ضوابطی که مراعات آنها پیشرفت مورد نظر را از حالت یک پیشرفت صرف سکولار و مادی خارجی ساخته و به آن صبغه‌ای انسانی، اخلاقی و معنوی می‌بخشد؛ پیشرفتی توأم با مساوات، عدالت، برابری، رأفت و رحمت؛ پیشرفتی در بردارنده سنت و مدرنیته، مثل ژاپن، و رفاه دنیا و سعادت آخرت. بخش چهارم مقاله به چالش‌های فرا روی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خواهد پرداخت. سرانجام این که در بخش پنجم و آخر مقاله نیز به یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مختصر دست زده می‌شود و چنین عنوان می‌شود که، چیزی به نام «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» می‌توان داشت و در واقع، بخاطر جلوگیری از وقوع مفسده‌های یک پیشرفت بی‌قید و بند و - از لحاظ معنوی و اخلاقی - لجام گسیخته غربی، باید هم داشت.

**واژگان کلیدی:** الگوی اسلامی ایرانی، توسعه پایدار، امکان و ضرورت الگو، سکولاریسم

### ۱. مقدمه

از آن جایی که سخن هر گوینده و آراء هر نویسنده‌ای برخاسته از باورها، اعتقادات، آموخته‌ها، و تجربیات پیشینی شخص اوست، لذا به آن دسته از شنوندگان و خوانندگان عزیزی که با افکار و آراء صاحب این قلم هیچگونه آشنایی قبلی ندارند مختصراً عرض می‌کنم که تحصیلات اینجانب در حوزه مهندسی نفت، مدیریت

<sup>۱</sup> محقق و مدرس ادیان خارجی، رئیس مرکز پژوهش ادیان جهان و سرپرست گروه مطالعات آینده نگری علم و فناوری فرهنگستان علوم

بازرگانی مدرسه بازرگانی هاروارد، و دکترای ادیان خارجی و دین شناسی تطبیقی از دانشگاه اوپسالا سوئد و تجربیات اینجانب نیز در حوزه صنعت و نفت و مدیریت و سفارت ( سوئد، ژاپن و نروژ) و معاونت (وزارت نخست وزیری، نفت، صنایع سنگین) و دبیر کل اتاق بازرگانی و دبیر کل اکو، و پس از آن نیز مشاور فرهنگی وزارت امور خارجه و اخیراً هم سرپرستی دفتر آینده نگری علم و فناوری فرهنگستان علوم و عمده تدریس بنده هم در حوزه ادیان خارجی و دین شناسی تطبیقی بوده است. از اینجانب تاکنون حدود ۴۰ اثر (تالیف و ترجمه) و قریب به ۱۵۰ مقاله منتشر شده است. الحمدلله رب العالمین.

شاید یکی از علت‌های عمده‌ای که مرا بر آن داشته تا در این زمینه‌ها چیزی بنویسیم تجربه آشنایی، حضور، سخنرانی و بازدید مکرر از خیلی از کشورهای عالم از جمله امریکا، ژاپن، تمام کشورهای اروپایی و بخصوص سوئد، نروژ، و اتریش، چین، هند، ترکیه، مالزی، بسیاری از کشورهای افریقایی، عربی و غیره بوده است که همین امر موجب شده تا از نزدیک با الگوی پیشرفت این کشورها آشنا شوم.

نکته مقدماتی سوم و آخر اینکه بنده به هیچ وجه قصد ندارم تا درباره الگوی پیشرفت خاصی حرف بزنم و نظر بدهم، بلکه بیشتر قصد دارم تا راجع به «امکان» و «ضرورت» داشتن یک الگوی «اسلامی- ایرانی» پیشرفت برای کشور خودمان صحبت کنم و درواقع تاملی داشته باشم روی سخن کسانی که می‌گویند مقاله دکتر عبدالرحیم گواهی محقق و مدرس ادیان خارجی، رئیس مرکز پژوهش ادیان جهان و سرپرست گروه مطالعات آینده نگری علم و فناوری فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران جهت ارائه در سومین کنفرانس سالانه الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تهران، ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد ۱۳۹۳.

پیشرفت، پیشرفت است و ایرانی و غیر ایرانی و یا اسلامی و غیر اسلامی ندارد. چنانچه علم هم علم است و اسلامی و دینی و غیره ندارد! بدین ترتیب بحث ما بیشتر جنبه نظری و معرفت شناختی خواهد داشت و راجع به «امکان» و «ضرورت» چنین چیزی بحث خواهیم کرد و نه مشخصات و ویژگی‌های آن، که به نظر می‌رسد بیشتر کار اقتصاد دانان، جامعه شناسان، فرهنگ شناسان، مدیران، برنامه ریزان و غیره بوده باشد.

## ۲. امکان و ضرورت طراحی الگوی بومی (اسلامی- ایرانی) پیشرفت

در برابر کسانی که می‌گویند علم، علم است و پیشرفت هم پیشرفت است، یا مثلاً هنر هم هنر است و روشنفکر هم روشنفکر است و غیره و لذا هیچکدام از اینها را نمی‌توان به صفت دینی، اسلامی، ایرانی، و غیره متصف ساخت متواضعانه عرض می‌کنیم که کدام علم و یا حتی مفهوم و یا مقوله فکری و انتزاعی است که از یک سلسله ارزش‌ها، داورها، معلومات و مقومات ذهنی پیشینی برخوردار نباشد که حال بگوییم پیشرفت اقتصادی-اجتماعی که ماهیتاً یک حوزه میان رشته‌ای علم اقتصاد و علم الاجتماع است چنین نیست و بلکه مستقلاً برخاسته از یک عده داده‌های تجربی است و لاغیر) برای توضیحات بیشتر نک، مهدی گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۷؛ سید حمید رضا حسنی و دیگران، علم دینی: دیدگاه‌ها و ملاحظات، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۶).

از آن طرف، مگر می‌شود طرح علمی‌ای که با انسان، معتقدانش، فرهنگ و آداب و سنن و عادات و رسوم- اش، سابقه تاریخی و تمدنی‌اش و محیط طبیعی و جغرافیایی‌اش سروکار دارد برای همه آدمها و کشورها و در همه جای جهان یکسان باشد؟ این چنین طرحی خدا هم نافریدا! به نظر ما، والله اعلم، طرح " فرهنگ- جغرافیایی" اقتصادی- بومی " ( از قبیل اسلامی- ایرانی، مسیحی- اروپایی، شینتویی- ژاپنی، بودایی- کره‌ای، و غیره) پیشرفت از مقولاتی است که به تعبیر حکما تصورش موجب تصدیقش می‌شود و نیاز به هیچ استدلال بیرونی ندارد. مگر معقول و منطقی است و می‌شد یا می‌شود که مالزی زمان ماهاتیر محمد را بر الگوی ژاپن

دوران میجی توسعه و پیشرفت داد؟ یا مثل چین زمان دنگ شیائو پینگ یا ترکیه عهد امپراتوری عثمانی یا ایران زمان صفوی؟ حتی مقتضیات اقلیمی کشورها و ضرورت‌ها و محدودیت‌های آب و هوایی آنها به ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد؛ چه رسد به خیل عظیم باورهای فرهنگی و آداب و سنن قومی و ارزش‌های اعتقادی و هنجارهای بومی - منطقه‌ای که هر کدام سد سکندری هستند در مقابل الگوهای وارداتی و طرح‌های غیربومی و خارجی پیشرفت.

نکته دیگر اینکه از میان انواع و اقسام نظام‌های اقتصادی نظیر مکتب سوداگری یا مرکانتالیسم، مکتب فیزیوکراتها، مکتب‌های کلاسیک آدام اسمیت، مالتوس و ریکاردو، مکتب کینز، مکتب سوسیالیسم و مارکسیسم، مکتب سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلامی ( برای توضیحات بیشتر، نک، عبدالله حاسبی، نظام‌های اقتصادی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴؛ حسین نمازی، نظام‌های اقتصادی، شرکت انتشار، ۱۳۷۴) در کنار انواع و اقسام الگوهای رشد و توسعه اقتصادی (نک، حسین باهر، مبانی اقتصاد کلان: اقتصاد ملی، نشر انجمن خدمات اسلامی، ۱۳۵۸، فصل نهم ص ۱۵۱ تا ۱۷۷؛ امیرباقر مدنی، استراتژی‌های توسعه اقتصادی، مرکز خدمات چاپ و نشر شرکت باورداران، ۱۳۶۷).

از دیگر ضرورت‌های طراحی و تبیین یک الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جواب ندادن مکاتب و الگوهای رایج شرقی و غربی در این زمینه به نحوی کامل و همه جانبه می‌باشد، به نحوی که بعضی از آنها به سودباوری مطلق، بعضی دیگر به ماده پرستی ( ماتریالیسم) و پوچی‌گری ( نهیلیسم)، بعضی دیگر حتی به هرج و مرج باوری ( آنارشیسم)، بعضی به نفی خداوند و پیروی از شیطان (Church of Satan)، بعضی از مکاتب نوظهور ژاپن به آزادی کامل (perfect liberty) و رها شدن از هر قید و بند اخلاقی، بعضی به حکومت علم بر عقل و جان آدمیان ( ساینتیسم) و بعضی دیگر به ظهور و بروز نواقص و کمبودهای فرهنگی، اخلاقی و معنوی دیگر انجامیده‌اند، تا جایی که بعضی از بزرگان فکر و اندیشه مغرب زمین از « هشت گناه بزرگ انسان متمدن» (ترجمه دکتر محمود و دکتر فرامرز بهزاد، کتاب زمان ، ۱۳۵۸) ، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب ( آنتونی آربلاستر، برگردان عباس مخبر، نشر مرکز ، ۱۳۶۷) و این اواخر هم « جنگ تمدن‌ها» ( ساموئل هانتینگتن) سخن به میان آورده‌اند.

البته که طرح این سخن به معنای نفی پیشرفت‌های محیر العقول غرب در بسیاری از زمینه‌های علمی و فناوری نیست. یقیناً که چنین پیشرفت‌های شگفت آوری بوده و امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته شرق و غرب عالم و جهان صنعتی درآمد سرانه مردم، وضع بیمه و سلامت و رفاه و معیشت، و امکان یک زندگی کم دغدغه و بی دردسر برای عموم مردم فراهم شده است. لذا ما از این بابت دین بزرگی به مردم شریف این مرز و بوم داریم که ۳۵ سال بعد از وقوع انقلاب اسلامی هنوز مسائل و نیازهای اولیه زندگی آنها را برآورده نساخته‌ایم. گویا فراموش کرده‌ایم که «الدنيا مزرعه الاخره» و «من لامعاش له لامعاده!» لیکن متأسفانه این پیشرفت در غرب در خیلی از جاها و بسیاری از جهات همراه با غفلت از دین و معنویت و اخلاق و تعالی‌گرایی جان‌های آدمیان بوده است، به نحوی که در کنار رشد و توسعه اقتصادی، بی‌بند و باری اخلاقی و عاطفی و سست شدن پایه‌های سنتی اخلاق و معنویت و رشد اباحه‌گری جنسی و از هم پاشیده شدن علقه‌های خانوادگی و کم رنگ شدن هنجارها و ارزش‌های ملی - دینی بوضوح دیده می‌شود. در کنار همه این مسائل، رشد و توسعه بی‌رویه و لجام گسیخته به قیمت مصرف بی حد و اندازه منابع طبیعی - اعم از زمینی، دریایی، هوایی، زیرزمینی - باعث از بین رفتن سریع منابع، تخریب محیط

زیست، سوراخ شدن لایه ازن، گرم شدن زمین و آب شدن منابع عظیم یخ‌های قطبی، آلودگی‌های زیست محیطی و مسائل و بلکه مصائب فراوان دیگر شده است. به نحوی که از هم اکنون شعار « رشد و توسعه » بی قید و شرط سابق را به « رشد و توسعه پایدار » (sustainable development) مبدل ساخته است. از دیگر ضرورت‌های بازنگری در الگوهای رشد و توسعه موجود یکی هم لوازم و تبعات توسعه « بی قید و شرط » علم و فناوری است که از زمان رنسانس و انقلاب صنعتی در زمره آرمان‌های مقدس بشری بوده است و انصافاً در بسیاری از زمینه‌ها هم بسیار مفید و راهگشا بوده است و شاید به همین دلیل هم کسی به آثار جنبی بعضاً مخرب آنها چندان توجهی نکرده است. مگر روزی که دانشمندان اتم را کشف می - کردند کسی در فکر خطرساختن بمب اتمی هم بود؟ یا وقتی که همه درصدد توسعه عجیب و غریب تکنولوژی اطلاعات (I.T.) بودند کسی را سودای سرقت‌های اینترنتی و جاسوسی‌های عظیم و گسترده مخابراتی و نفوذ و تخریب و ضربه زدن‌های امنیتی هم بود؟ ( برای توضیح بیشتر نک، فرانسس فوکویاما، آینده فرا انسانی ما : پیامدهای انقلاب بیوتکنولوژی، ترجمه ترانه قطب، انتشارات طرح نو، ۱۳۹۰). امروزه نیز مخاطرات توسعه بی‌رویه تکنولوژی‌های نوین شامل بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی و اطلاعات و علوم و فناوری‌های شناختی (cognitive) به حدی است که همه زمامداران و عقلای قوم در شرق و غرب را نگران کرده است (برای اطلاع از بخشی از این نگرانیها، نک اسناد کنفرانس‌های ریو، هزاره سازمان ملل، علم و تکنولوژی در جامعه - کیوتو- و غیره).

در هر صورت، چون فرهنگ ما اسلامی و قومیت و سرزمین ما ایرانی است لامحاله ما نیازمند الگویی اسلامی- ایرانی برای پیشرفت هستیم تا هم با مقتضیات بومی- اقلیمی ما سازگار باشد و هم با فرهنگ و روحیات و خلق و خوی و باورها و اعتقادات ایرانی- اسلامی ما؛ الگویی برگرفته از همه هنجارها و ارزش- های بیرونی و درونی این قوم و ملت و جهان پیرامون ما؛ الگویی مادی و معنوی، علمی و دینی، دنیوی و اخروی، طبیعی و مابعد الطبیعی، جسمانی و روحانی، یا هر نامگذاری مناسب دیگری.

### ۳. اهداف مورد نظر

می‌دانیم که در نظام تفکر صحیح اسلامی، نظامی که برگرفته از منابع اصیل قرآن و سنت می‌باشد و نه اغراض افراط و تفریطی و مبتنی بر فهم ناقص و بعضاً جاهلانه و مستبدانه این و آن فرد یا گروه که همواره در طول تاریخ مانع فهم درست دین بوده‌اند، نه تنها حیات معقول و طیبه انسانها در دنیا و نجات و رستگاری آنها در آخرت مد نظر می‌باشد: «ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخره حسنه و قنا عذاب النار» ( بقره ۲/۲۰۱) بلکه همچنین از جهاتی آخرت، به دلیل ارتباط و اتصال آن با ابدیت، حیات اصلی و سرمدی انسان معرفی شده و زندگی دنیوی مقوله‌ای گذرا و کشتگاه آخرت دانسته شده است ( به عنوان مثال ، رعد، ۱۳/۲۶؛ عنکبوت، ۲۹/۶۴).

از طرف دیگر، قرآن کریم وجود مقدس رسول الله(ص) را رحمتی برای همه جهانیان معرفی می‌کند( انبیاء، ۲۱/۱۰۷) و خود آن حضرت نیز هدف از بعثت خویش را به تمام وکمال رساندن مکارم اخلاقی ( انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) می‌داند. ائمه معصومین علیهم السلام نیز اصل و اساس دین را محبت دانسته‌اند: «هل الدین الا الحب» یا «هل الدین الا المحبه». بدین ترتیب هرگونه الگوی پیشرفت باید از نظر «مادی» مبتنی بر پیشرفت در هر دو زمینه رفاه و سعادت دنیا و آخرت و از نظر معنوی نیز مبتنی، یا با در نظر گرفتن، محبت و دوستی و مکارم اخلاقی و رحمت بوده باشد تا همگان را به راه معنویت و خدا و عرفان و محبت به هم‌نوع و مسامحه و بردباری و دلسوزی و شفقت بخواند و براند. بعضی‌ها گمان می‌کنند که وقتی صحبت از علم دینی می‌شود منظور و مقصود ما علمی است که از دهان یک عالم دینی بیرون بیاید یا اینکه منبع و منشاء آن ضرورتاً قرآن و حدیث و قال الباقر و قال الصادق علیه السلام بوده باشد. لذا وقتی هم که صحبت از الگوی «اسلامی» پیشرفت می‌کنیم حتماً باید منشأ طراحی و صدور آن حوزه‌های علمیه و علمای اعلام بوده باشند! خیر عزیزان، آن علم دینی نیست و بلکه علم دین است. الگوی رشد و پیشرفت اسلامی یک جامعه را حتماً باید یک اقتصاددان ارایه دهد، منتها اقتصاد دانی با خبر از موازین، رویکردها و ارزشهای انسانی- اسلامی و در یک کلمه با جهان بینی الهی، توحیدی، اسلامی، دینی و غیره.

از آن جایی که ژاپن یکی از موفقترین کشورهای عالم در تلفیق و ترکیب سنت و مدرنیته بوده است، ما هم درصدد کسب الگوی پیشرفت ژاپن و به دنبال ساختن کشوری مثل ژاپن هستیم، اما ژاپنی ایرانی- اسلامی؛ هم در قله‌های رفیع علم و صنعت و توسعه و هم در بلندای اخلاق و ایمان و عرفان؛ هم در فکر آباد کردن دنیا و هم در اندیشه ساختن آخرت؛ که آن بزرگ فرمود: «الدنیا مزرعه الاخره».

اگر بزرگترین دانشمندان قرن بیستم سه نابغه کبیر به نام‌های ماکس پلانگ، آلبرت انیشتین، و نیلزبور بوده‌اند و همه دانشمندان بزرگ دیگر رهروان طریقت علمی اینان بوده‌اند و این هر سه نفر نیز افرادی خداجوی و با ایمان بوده‌اند( نک ورنر هایزنبرگ، گفتگویی در رابطه علم و دین، ترجمه حسین نجفی زاده، انتشارات جیحون، نشر نقره، ۱۳۶۳، مقدمه، ص ۸) ما هم دقیقاً به دنبال چنین دانشمندانی در همه حوزه‌های علم و فناوری هستیم که در اظهار نظرها، برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های علمی، فناوری، اجتماعی و اقتصادی خود مردم را به سمت و سوی یک جهان بینی الهی که متضمن رفاه و سعادت دنیوی و اخروی آنها باشد رهنمون شوند، علماء و اندیشمندانی که بحمدالله صدها نفر از اقسام ایشان را در همین فرهنگستان علوم خودمان و هزاران و بلکه دهها هزار نفر از ایشان را در قالب اعضای هیات علمی در گوشه و کنار میهن اسلامی داریم ( راقم این سطور درحال حاضر سرپرست گروه مطالعات آینده‌نگری فرهنگستان علوم می‌باشد).

تردید نیست که الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نه یکسره مبتنی بر اقتصاد سود محور سرمایه‌داری خواهد بود که آینده آن از هم اکنون نزد عقلا معلوم است ( نک . لسترتارو، آینده سرمایه‌داری، ترجمه

عزیز کیاوند، نشریدار، ۱۳۷۶) و نه یکسره مبتنی بر اعتقاد سوسیالیستی و سوسیالیسم اقتصادی، بالاخص صورت افراطی آن در بلوک شرق و روسیه شوروی سابق و کشورهای مثل کوبا و کره و چین سابق و نه صورت تعدیل یافته آن نزد کشورهای سوسیال دموکرات اروپایی نظیر سوئد و اتریش و غیره، خواهد بود بلکه حتی المقدور جامع محسنات این هر دو نظریه یا نظام اقتصادی، به همراه برخی کلان-نگری‌های اقتصاد اسلامی آن گونه که برخی از متفکرین مسلمان، هرچند به صورتی کاملاً مقدماتی، سعی در تبیین آن داشته‌اند( به عنوان نمونه نک. محمد باقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه عبدالعلی سپهبدی، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷؛ مبانی اقتصاد اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سازمان سمت، ۱۳۷۹؛ اقتصاد توحیدی، ابوالحسن بنی صدر، نشر حجره، ۱۳۵۷) خواهد بود. الگویی که نه تنها به درد ما، بلکه همچنین به درد کشورهای اسلامی‌ای که در شرایطی کم و بیش مشابه ما هستند خواهد خورد.

#### ۴. چالش‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

بیش از این به بعضی از مخالفت‌ها با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اشاره کردیم، مخالفت از ناحیه کسانی که به تعبیر خودشان از لحاظ علمی هیچگونه پسوند دینی، اسلامی و غیره را بر هیچ چیز نمی-تابند و به اصطلاح تابع علم محض یا علم مطلق می‌باشند. چنانچه مصادیق بعضی از این افراط و تفریط‌ها را در گوشه و کنار در رابطه با «اسلامی شدن» دانشگاه‌ها، صبغه اسلامی گرفتن علوم انسانی و یا اصلاً به میان آمدن پای دین و اسلام در حوزه علوم بطور اعم و علوم انسانی بطور اخص شاهد بوده‌ایم. طرفه آن که گاهی فریاد این قبیل مخالفت‌ها و «وا علما» گفتن‌ها نه از ناحیه علمای دانشگاهی و بلکه از جانب علمای دینی بلند است!

در کنار این مساله عده‌ای هم نه تنها در بین کشورهای اسلامی، منطقه‌ای، اروپایی، و امریکایی، بلکه حتی در داخل کشور مخالف رشد و پیشرفت و ترقی ایران اسلامی می‌باشند، مخالفت‌هایی با انگیزه‌های قومی، نژادی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی که واکاوی دلایل هریک از آنها بیرون از حوصله این مقال می‌باشد. بعضی‌ها از این جهت با پیشرفت به سبک و سیاق ایرانی - اسلامی مخالفت می‌کنند که به غلط فکر می-کنند این کار ما را از پیشرفت به سبک و سیاق غربی که، به زعم ایشان، تنها راه درست پیشرفت و ترقی است باز می‌دارد! کسانی که بیشتر در جبهه غرب گرایان، اگر نگوئیم خود باختگان در برابر مغرب زمین و غرب‌زدگان، یافت می‌شوند. در حالی که تا این جای مقال روشن ساخته‌ایم که ایراد و اعتراض ما به رفاه و ترقی و پیشرفت غرب صنعتی یا علم و صنعت غربی نیست، که اگر چنین بود عین بی‌خردی و بلکه خرد ستیزی و خرد سوزی و ایستادن در مقابل عقل و خردورزی بشری بود! بلکه این شک و شبهه بیشتر متوجه برخی از عوارض و تبعات جانبی این رشد و پیشرفت یک بعدی، مادی انگارانه و یکجانبه گرایانه است که چنانکه گفتیم تعدادی از خود علما و دانشمندان غربی نیز به ناسودمندی و مخرب بودن عوارض و آثار آن اذعان کرده‌اند و از هم اکنون بابرگزاری انواع و اقسام کنفرانس‌ها و اجلاس‌های منطقه‌ای و بین-المللی در صدد چاره‌جویی و جلوگیری از عوارض بیشتر آن برآمده‌اند. بدیهی است اگر قرار باشد رشد و

پیشرفت ای به اباحیگری جنسی و قران سوزی و توهین به مقدسات دیگران تحت عنوان آزادی بیان و قانونی دانستن همجنس گرایی به بهانه حقوق بشر و تخریب محیط زیست به بهانه پیشرفت اقتصادی و غیره بیانجامد این وظیفه همه عقلا اقوام و طوایف بشری است که به بررسی و بازنگری هنجارها، عوامل، و مقومات فکری و علمی چنین رشد و پیشرفتی بپردازند. به هر تقدیر وظیفه ما روشنفکران، خبرگان و نخبگان ایران اسلامی است که علیرغم همه موانع و چالش‌های موجود به تبیین یک الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت سازگار با علم و عقلانیت، در کنار دین و معنویت، و مبتنی بر فرهنگ و تمدن ایرانی و ایرانیت بپردازیم؛ الگویی آینده‌نگرانه، مدبرانه، انسان دوستانه و برگرفته از شریعت «سهله و سمحه» نبوی که متضمن رشد و پیشرفت و تکامل و تعالی همه آحاد جامعه بوده باشد.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنظر ما تبیین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت هم امری ممکن و هم امری لازم و ضروری است و اصولاً داشتن الگوهای مبتنی بر شرایط فرهنگی و اقلیمی هر کشوری از اموری است که به اصطلاح تصور آن موجب تصدیقش خواهد بود. همچنین، چنانچه بیان شد، ما منکر رشد و پیشرفت علمی کشورهای پیشرفته و ملل راقیه عالم نیستیم، بلکه معتقدیم که این پیشرفت‌ها بیشتر در زمینه مادی بوده و از نواقص و کمبودهای مخاطره آمیزی برخوردار بوده است. همچنان که به هیچ وجه منکر پیشرفت علم و دانش بشری نیستیم، لیکن معتقدیم که اصول موضوعه هر علمی مبتنی بر یک سلسله باورها، ارزش‌ها و هنجاریهای مقوم پیشینی است که همه استنتاجات و استنباطات علمی ما را رنگ آمیزی می‌کنند و به همین دلیل هم هست که ما با علم سکولار، علم مادی، علم فیزیکی، و صد البته در کنار همه آنها علم دینی، مواجه هستیم. لذا نفی صفت دینی بودن از علم، یا اسلامی بودن از الگوی پیشرفت، کار چندان پخته، عالمانه و بخردانه‌ای نیست.

به زعم ما و با عنایت به تعالیم بلند اسلامی هدف غایی از طراحی هرگونه الگوی رشد و توسعه باید تامین رفاه دنیوی توأم با سعادت اخروی افراد جامعه باشد. دنیا و آخرت را باید با هم و در کنار هم دید. اینها دو بال تامین رفاه و آرامش و آسایش مادی و معنوی اولاد آدم هستند و در نظر گرفتن یکی بدون دیگری وضعی را پیش می‌آورد که هم اکنون شاهد آن هستیم، علم و پیشرفت منسلخ از وحی و انسان منقطع از اخلاق و فضیلت و تهی از معنویت.

سرانجام اینکه ما دانشمندان و زعمای کشورهای اسلامی حق نداریم بدون برنامه‌ریزی و تامین حداقل رفاه و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی برای مردم خود و در حالی که با فقر و بیکاری و فساد و رشوه و فحشا و طلاق و انواع و اقسام آلودگی‌های محیطی و بیماری و غیره دست به گریبان هستیم، برای دیگران نسخه بپیچیم و سخنوری و سخنرانی کنیم که شما غربی‌ها در فلان حوزه عقب هستید و الی آخر. اول باید خود را ساخت و الگو شد و بعد برای دیگران اجتهاد و فتوا صادر کرد.